

پا سخی به یا وه سرای های سقوط رژیم دمو کرا تیک در افغانستان



از مدت ها بدینسو تیم جفا کار و قا تلین اصلی شهید داکتر نجیب الله ، امینی های خون آشام ، عمال نقا بدار و نفوذی سا زمان جهنمی آی اس آی پا کستان ، در سا ختار واحد سا ختمان مثلثی گروهک های تشکیلاتی « اینتر نیٹی » ، که ریا کارانه دوکان سو دا گری باز نموده ، نقش خرا بکارانه و مو قف ستون پنجم ار تجاع را در میان نیرو های دمو کرا تیک ملی احراز نموده وسیعی می نمایند تا با بذر افشانی تخم کینه و پخش پرا زیت های سیا سی و تقا سیر ذهنی گرانه و انتقا مجویانه ، در راستای پرو ژه « ای اس آی » پا کستان ، زمینه احیای مجدد حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان و اتحاد وحدت و همبستگی نیرو ها ی دمو کرا تیک ملی را در چنین مراحل حساس تاریخی سلب نما یند . ایشان تغا فلگرانه و عمدا ، بدون کنگاش به عوا مل و فکتور هار تعین کننده و ریشه دار در جهت فرو پا شی رژیم دمو کرا تیک ، طبق نقشه ولینعمتیان شان ، بهترین ، سر سپرده ترین و وطنپرست ترین نیرو ها را به نشانه بسته تا با شد چهره های سیا ه دشمنان تاریخی و آشتی نا پذیر مردم افغانستان را برای سقوط نظام دمو کرا تیک سفید نموده و پا داشی حاصل نمایند . لذا لازم میدانم تا به سلسله نشر خر وار های از اسناد ، شواهد و مدارک در خصوص فر و پاشی رژیم ، با ردیگر توجه این آقا یان را به

عوامل اصلی و تعیین کننده سقوط نظام که عمدتاً در بُعد خا رچی ریشه های آن نهفته است جلب نمایم :

بعد از زدایش گرد و غبار از سیمای حوا دث تا ریخی در عر صه جهان وافعا نستان، اکنون سر نخ های اصلی سقوط رژیم دمو کرا تیک در افغا نستان بدست آمده وهر انسان آگاه به سهو لت در ک مینما ید که سقوط رژیم دمو کرا تیک در افغا نستان ، جز یک پرو ژه استراتیژیک غر بی در راس ایا لات متحده امر یکا برای فر و پا شی نظام های سو سیا لستی ودمو کرا تیک در عرصه جهان بود که برای تحقق آن یک هزینه بزرگ « دو تر یلیون دالر « بکار رفته بود .چنا نچه بر یژنسیکی مشا ور امنیت زمان رو نالد ریگن در این باب خاطر نشان مینماید:

(از هم پاشی نظام اتحاد شوروی، به معنای از هم پاشی نظام سوسیالیسم بین المللی بود و اجرای این دکترین، به قیمت بزرگ به دست آمد).

چنین اضها رات به سهو لت مبین آنست که این نظام نه تنها از درون بلکه از بیرون نیز متلاشی گر دید .که در بُعد بیرونی آن سران کشور ها چون . رونالد ریگن، مارگریت تاچر، هلموت کول و فرانسوا میتران ودر بُعد دا خلی مجری اصلی وشماره یک آن برنده جا یزه نو بل وخا ین ملی گر باچف بود که نه تنها به ملل جهان بلکه به مر دمان و سر زمین خود هم رحم نکرد، مشا رکت فعال داشت . در تداوم کار این پرو ژه جها نی بر انداز بود که نظام های سیا سی کشور های سو سیا لستی ودمو کرا تیک دگر گون گر دید :

- از همپاشی نظام سوسیالیسم بین المللی، در سال 1989، آغاز گردید. نخستین کشور، جمهوری سوسیالیستی مجارستان بود که با سو سیا لیسم وداع کرد .
- در ماه جون سال 1989، دولت سوسیالیست پولند از هم پاشید و در نتیجه انتخابات، اتحادیه کارگری «همبستگی»، تحت رهبری لیخ والینسه، حاکمیت سیاسی را به دست آورد. شکست شورویها در پولند کمر سوسیالیسم بین المللی را به شکست مواجه می کرد.
- در نوامبر سال 1989 دیوار برلین فرو ریخت ونظام سو سیا لستی به پا ین عمر خویش رسید ، و آلمان واحد و قدرتمند در همسایگی شوروی احیا گردید.
- در نوامبر سال 1989، رهبر حزب کمونیست بلغاریا استعفا داد و حکومت جدیدی را که وابسته به غرب بود، در نتیجه انتخابات ، جانشین حزب کمونیست شد.
- در دسامبر سال 1989، چایسکوکو، رهبر حزب کمونیست و رییس جمهور رومانیای، همراه با خانمش، تیر باران گردیدند.

اما شور بختا نه که مقدمات پرو ژه فر و پا شی در آز ما یشگاه نظام دمو کرا تیک برای اولین بار و قبل از همه کشور ها در افغا نستان در بهار سال 1986 آغاز گردید و سران کرملین در رأس گر با چف به منظور هموار سازی جاده استراتیژیک در قبال تحقق بر نامه های خو نین خویش با کا ربست ودا من زدن اختلافات میان رهبران حزب دمو کرا تیک خلق افغا نستان وتغیر نا فر جام رژیم وبر کناری رفیق ببرک کار مل و انتخاب شهید داکتر نجیب الله به حیث « سپر بلا ی » شوروی ، تلاش نمود تا بحد کافی پایه های نظام را متلاشی نماید. تا کنون در جهان ، منطقه وافغا نستان هیچ کسی قادر نبوده است تا ضرورت تدویر پلینوم هژده را با توجه به تمایل وآما ده گی محترم کارمل برای ترک قدرت، در یکی از طو فانی ترین شرایط سیاسی افغا نستان تشریح نماید . در غیر آن با توجه به سطح احترام بی پایانی که شهید داکتر نجیب اله نسبت به رفیق کار مل داشت وبرایش شعر می سرود که :

موی سفیدش را فلکم را یگان نداد این رشته را به نقد جوانی خریده است

بعید بود تا چنان اختلافات عمیق در میان دو برادر از یک خانواده تبارز نموده تا سر نوشت یکی را به تبعید و دیگری را به تجرید بکشانند. همین سر دمدا ران هویت باخته و مسخ شده کرملین بودند که به سلسله اعلان سیاست «پریسترویکا» (بازسازی) و «گلاسنست» (فضای باز فکری)، در اتحاد شوروی و تحمیل سیاست مصالحه ملی در افغانستان، دست به طراحی برنامه های زد که فاجعه بزرگ را برای خلق های دو کشور و جها نیان بوجود آورد.

درون مایه اهداف مصالحه ملی در افغانستان جز بر گشت مصنوعی سر بازان شوروی به کشور، سقوط نظام دموکراتیک و احیای نظام عقبگرای تاریخی چیزی دیگری نبود که چیره شدن نظام مجاهدین و بدرقه رهبران جهادی در ماسکو و سپس ظهور طالبان در کشور که از تولیدات پروژه های مشترک سران کرملین و واشنگتن و اسلام آباد بود، مصداق کامل ظهور پروژه طراحی شده سازشکارانه سران کرملین «گر با چف یلتسن» چیزی دیگری نبود.

نظر یکی از شرق شناسان و نویسنده گان معروف روسی "سلینکین" در باره مشی مصالحه ملی چنین است " **برخلاف شایع نه او (نجیب الله) و نه کس دیگری از رهبران افغان اندیشه مشی آشتی ملی را به میان نکشیدند. سناریوی مصالحه ملی بدستور گردانندگان کرملین در مسکو نوشته شده و جانب افغانی تنها مجری عادی این طرح بود.** » 1* .

من کاملاً بیاد دارم یکی از شعار های مشهور مصالحه ملی را که تحت عنوان : (**مصالحه ملی راه نامکشوف و قلعه پر از برف است**) تذکار یافته بود و بنظرم دشوار است تا یک حزبی که اصول حیات اش بر اساس جهل نین علمی و قوانین دیا لکتیک استوار باشد بی مهابا چنین شعاری را بپذیرد و در مسیر نامعین قدم رنجه فرماید در حالیکه اصول مصالحه یا کامپرومایز به خط زرین علمی و تجار رب و اندوخته های عظیم تاریخی بیان شده است. لذا بنظر میرسد که شخص شهید داکتر نجیب الله به حیث قر با نیان این خط انتخاب شده بود. چرا که همین سر دمدا ران کرملین بودند که زینه را در یکی از دشوارترین شرایط سیاسی، نظامی اقتصادی از زیر پای داکتر صاحب نجیب الله شهید بیرون نموده و با قطع کامل کمک ها و تحمیل مذاکرات ژنیو و پذیرش و شرایط یکجانبه و قطع کمک های اتحاد شوروی در جنوری سال 1992 و تداوم کمک های غرب و پاکستان برای باند های مسلح، شرایط تهاجم دشمن و فر و پاشی نظام را فراهم نمودند.

چنانچه در این باب ولانتین وارینیکوف سرپرست گروه اپراتیفی وزارت دفاع شوروی در افغانستان در سالهای 1984-1989، اخیراً چنین خاطر نشان ساخت :

« یلتسن گفت صادرات را قطع کنید ؛ و نجیب الله به ترک مقام خود مجبور گردید. » همچنان

با توجه به مصاحبه ایفگینی ژورنوف با سفیر سابق شوروی «2» که اذعان داشت :
(**من تصور میکنم که نجیب الله به هر حال بدون وابستگی از حجم و ادامه کمک های مادر آن وضع محکوم به شکست بود.**) . ؛

با وضاحت درک می‌گردد که اسرار شکست نظام در جای دیگری نهفته بود. وپا با توجه به اظهارات نیکولای کزیروف سابق مشاور وزارت خارجه افغانستان و سکرتر پولیتبروی کمونیستی در بخش افغانستان «**ما ، با دست های خود قایق افغانستان را در موج ها افکنیم.**» 3» بطور واضح درک می‌گردد که گرد باد از کدام سو آغاز یافت . در اینجا نه تنها قطع کمک های نظامی ، مواد سوخت و مواد غذایی از طرف دوستان دیروز و دشمنان امروز بلکه استقبال گرم رهبران کرملین از سر دسته های «مجا همدین !» سیگنال قرمز بود که پای های رژیم شهید نجیب اله را به لرزه در آورد .

علاوه بر فکتور اصلی خارجی شو روی امریکا ، در این میان نقش سران مرجع عرب و نظا میگران پاکستان در جهت تر بیه ، تجهیز و صدور باندهای مسلح خون آشام در داخل افغانستان نهایت تاثیر گذار و تعیین کننده بود. با باز خوانی و باز نگری آثار بی شمار منابع جهانی از جمله انتشارات کتاب های (**تلک خرس و خا موشه مجاهد** ...) نقش جهانی سر ویس های استخباراتی پاکستان برای در هم شکستن رژیم دموکراتیک در افغانستان نهایت تعیین کننده بود . چنانچه ضیا الحق بطور سبکسرانه و بدون نورم های دیپلوما تیک پیوسته اظهار مینمود که : «**ما باید نجیب را از کابل بیرون اندازیم!**»

فکتور داخلی سقوط رژیم :

پس از جمع بندی عوامل فکتور های بین المللی که نقش شماره یک فرسایشی را در فروپاشی نظام دموکراتیک ایفا نمود برخی عوامل داخلی نیز این پروسه را بیش از پیش تسریع بخشید و این جریان بارها بوسیله شاهان عینی مورخین ، پژو هسگران و ناظران جریانات ناهنجار سیاسی تذکار یافته است نمیخواهم تا به تفصیل آن پیر دازم صرف بر برخی از این عوامل بطور جسته و گریخته اشاره مینمایم :

- تعمیق بحران سیاسی در ارکان رهبری حزب و کنار رفتن چهره های شاخصی و ستون های اصلی رهبری کننده حزب .

- وجود بحران وصف آرائی میان بخش رهبری و صفوف (آستانه تدویر دو مین کنفرانس سراسری حزب در سال 1366) از اثر رویش ها و اشتباهات پیهم و کجروی های بی انتهای سیاست گزینی های عقب پرده ؛

- تضعیف روحیه رزمی حزب در تداوم سیاست سوال بر انگیز و نا روشن مصالحه ملی ، چنانچه اینجا نب که زمانیکه در بخش تشکیلات کمیته حزبی شهر کابل کار مینمودم حدود 34 هزار رفیق در ثبت و شمار کمیته حزبی شهر کابل وجود داشت که این رقم متأسفانه در نتیجه سیاست های یکجانبه مشی مصالحه ملی و زدایش جوهر مبارزات انقلابی و مستولی شدن فضای رعب وحشت و دلسردی در میان صفوف حزب در آستانه سقوط نظام به 14 هزار رفیق کاهش نموده بود .

- تداوم یکجانبه سیاست مشی مصالحه ملی ، عقب نشینی های بی لزوم در برابر دشمنان آشتی ناپذیر مردم افغانستان و تشجیع باند های مسلح خرابکار و نابود ساختن مورال رزمی قوای مسلح .

- دور ساختن ، سبکدوش ساختن و به زندان کشیدن بخشی از رهبران و کادر های جناح پرچم و محبوس ساختن بیش از نصف از رهبران جناح خلق ، افسران و طنپرسرست و جنرالان و طندوست رفقای خلقی ؛ و برگشت مجدد امینی های خون آشام در اهرم قدرت سیاسی ؛

- تشدید اختلافات و بحران در ارکان نیرو های مسلح و فادار به رژیم بویژه ایجاد انگیزه های تحریک آمیز در میان قوت های شمال بوسیله عمال نفوذی و جمعه اخک و تاج

محمد رئیس امنیت ولایت بلخ و تشدید آگاهانه این اختلافات بو سیله حلقات مر موزدر هسته رهبری رژیم بو یژه نقش دهشت افگنا نه چهره مشکوک و تاریخ زده و منفور سلیمان لایق . صحبت مشهور داکتر صاحب نجیب الله مدت ها قبل از فر و پاشی نظام ، در اجتماع بزرگ افسران قوای مسلح و صدور پیام شکست مبنی بر عدم حضور قوای مسلح حزب دولت فعلی در ساختار های آینده نظام دولتی در افغانستان ؛ که در حقیقت آبی بود که بالای آتش احساسات رزمی و وطنپرستانه افسران انداخته شد و موضوع دفاع از حاکمیت را مورد سوال قرار داد .

- تشدید اوضاع اقتصادی کشور و نا رضایتی روز افزون مردم و بو یژه کامندان و مامورین دولتی از اثر قطع کوپون که منجر به شعار روز گزیده بود: (خالقپار قور گفت - قور بقه بی)

- سر انجام استعفای داکتر صاحب نجیب الله و رهسپاری وی بسوی میدان هوای و پناهندهگی در دفتر ملل متحد . چنانچه در این باب داکتر شهید می فرماید : « **من امروز استعفای خود را از ریاست جمهوری افغانستان و رهبری حزب حاکم، حزب وطن ارائه کردم. اکنون ملل متحد مسئولیت آنرا دارد تا پلانش به پیش رود...** » «4»

در چنین جو خفقان آور ، در حالیکه رژیم و هوا داران آن کاملاً در بهت و یاس فرو رفته بودند ، سا زمان جهنمی پا کستان که مدت چهار ده سال در افغانستان در حال صل بر داری پروژه مرگ و خون و آتش سر ما یه گزاری نموده بود با چشم دید خلای قدرت کار سازی شده ، سا زمان یافته و خلاف میل شهید داکتر نجیب الله،

(داکتر نجیب در دفتر ملل متحد در کابل خطاب بهممه میگوید: " من تطبیق پلان را میخواهم. آقای سیوان شاهد است که قبلاً چه گفته ام من گفتم حینیکه انتقال قدرت آغاز شد من استعفی میدهم. اما او (سیوان) گفت نی. من باید قبل برآن استعفی دهم. من اخطار کردم تا شورای بیطرف جابجا نشود خلای قدرت ایجاد میشود. و اینست که اتفاق افتید. " «5»

، در وجود حزب اسلامی و بر خی از سران کلیدی رژیم از جمله جنرال محمد رفیع معاون رئیس جمهور ، وزرای قوای مسلح کشور جنرال محمد اسلم و طنجار ، راز محمد پکتین اسد الله پیام و مانو کی منگل ، برخی قوماندانان قطعات مسلح چون جبار قهرمان و غیره و غیره آماده گی گرفت که شهر کابل را به محاصره کامل در آورد رژیم را به یغما برد و تمام اعضا و هوا داران حزب دموکراتیک خلق افغانستان « **حزب وطن را از دم تیغ کشد و تاریخ خونین چیلی را در افغانستان تکرار نماید** خو شیختانه که ما بخشی از تاریخ زنده حوادثنا هنجار تاریخی کشور خود ، شاهد گو یای سقوط حاکمیت و سقوط شهر کابل هستیم و بطور امانت اکنون بر خی از چشم دید های خویش را با تکیه بر شهادت تاریخ تذکر داده درک مینمایم کی کیها عامل اصلی و اولی بغاوت ، آشوبگری و عقیم ساختن طرح حکومت عبوری در افغانستان بو یژه در کابل بودند ؟

نظر گذرا به چگونگی سقوط شهر کابل :

بعد از پناهنده شدن شهید نجیب الله به دفتر ملل متحد در حالیکه رهبران حزب از جمله لایق سرگرم گفتگو با نمایندگان خاص ملل متحد بود ، گلبدالدین حکمتیار خواهان تسلیمی بدون قید و شرط حاکمیت گردید و پیوسته غرا به کنان شهر و مردمان شهر را مورد تحدید قرار میداد . او به کمک همپیمانان وفادار خویش در درون حاکمیت، بدنه قوت های مسلح کشور

وحوزه های یا زده گانه پولیس تمامی نیرو های خویش را تحت بهانه نیرو های ملیشه جبار قهر مان ، بطور دزدانه در محلات کلیدی شهر جا بجا نموده بود .چنانچه در اوج آرامش ظاهری شهر در حالیکه هنوز زنده گی عادی در کابل در گزند بود نیرو های حزب اسلامی وعمال آس آی پا کستان با بهره جویی از فرصت ، تمامی نقاط کلیدی شهر کابل را از جمله گارد ریاست جمهوری ،مقر کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، مقر شو رای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، مقر وزارت خانه ها ، مراکز استراتژیک شهر از جمله تپه بی بی مهره ، تپه کلو له پشته، تپه نادر خان، قوای چهار وچهار ده زره دار،قرارگاه فرقه هفت پیا ده وغیره وغیره برق آسا توسط حزب اسلامی اشغال گردید ؛ در این مرحله حساس و تاریخی ساز ، در آستانه آغاز جو بیابان خون و آتش انتقام چهارده ساله حزب اسلامی و آس آی پا کستان ، در لحظاتی که دفاع از ناموس و وطن ، دفاع از جان و مال و شرف شهر یان کابل و رزمجویان حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، و موضوع بود و نبود جغرافیای افغانستان مطرح شد ، در چنین بحبوحه فقط و فقط دو انتخاب میان بد و بدتر وجود داشت و بس ؛ این انتخاب متأسفانه آنطوریکه برخی بر اساس تحلیل های ذهنیگرانه ضد ملی بیان میدارند نه بر اساس ملی و قومی و ستمی بلکه بر اساس خطوط سیاسی و درجه تند روی و بیبیگانه پرستی از یکسو و تعیین خط اعتدال از سوی دیگر مورد سوال واقع شد که در این جریان بخشی از رفقا و نظامیان وفا دار به مردم و وطن صرف بخاطر نجات رفقا و شهر یان کابل در برابر اژدهای خون آشام پاکستان و حزب گلبدالدین بطور عاقلانه در میان بد و بدتر خط اعتدال را برگزیده و با مساعی مشترک نیرو های جنرال صاحب دوستم ، سپاهیان انقلاب و رزمجویان دلیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، و برخی مجاهدین اعتدال پرست ضد پاکستانی ، حوالی ساعات شام همان روز تهاجم ضد حمله را علیه نیرو های گلبدالدین و لشکر آس آی پا کستان در شهر کابل سامان بخشیده و بدستان نیرو مند خویش مسیر چرخ تاریخ را دگرگون ساختند. **قابل یاد دهانی است که گزینش خط اعتدال در وجود احمد شاه مسعود برای بار اول بوسیله دکتر صاحب نجیب الله و نامزدی وی به حیث وزیر دفاع مدت ها قبل صورت گرفته بود .** این نیرو ها توانستند تا در اوج ترس و دلهره گی، شهر کابل را از لوث لشکر پاکستانی پاکسازی نمایند ؛ **بگذار نقش ماندگار سپاهیان دلیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان را که به حیث قایق های نجات در یکی از پرخطرترین برهه های تاریخ قد برافراشتند باری دیگر ستایش نموده و از نقش جانبا زانه و فداکارانه رفقای قهرمان چون استر جنرال نبی عظیمی ، دگر جنرال نورا الحق علموی ، دگر جنرال آصف دلاور ، دگر جنرال سید اعظم سید ، دگر جنرال عبدالفتاح ، دگر جنرال محمد افضل لو دین ، شهید برید جنرال عبدالحق علموی ، دگر جنرال رحمت الله روفی ، شهید برید جنرال عبدالرزاق وده ها رفیق رزم آور شجاع قهرمان و وطنپزست وده ها تن سر سپرده گان راه حزب شهیدان و قهرمانان را ستایش نموده و بر رزم و پیکار دلاورانه شان در جهت عقیم ساختن پلان های شوم پاکستان این دشمن تاریخی مردم افغانستان سر تعظیم فرود آورده و افتخار نمایم ؛**

پیامدها :

در لحظاتی که رییس جمهور استعفا داده بود و در زیر سایه پناهنده گی ملل متحد بسر میبرد ، عملآخلای قدرت ایجاد شده بود ، تا بوت رژیم طی یک پروسه طولانی آماده شده بود .

سران پا کستان که میگفت : **افغانستان را آهسته آهسته بسوزانید** و حال در صدد بر پای حمام خون بودند البته حمام خون اعضای حزب و روشنفکران کشور ، در چنین جو اختناق انگیز ناموس شهریان کابل و حزبی ها ، شرف شان ، زندگی شان بوسیله همان رفقای نامبرده نجات داده شد. مجموع تلفات حزب در طی دوران انتظار طاقت فرسای 14 سال حس انتقام جوی و کینه فقط یک رفیق و آن عبا رت از رفیق شهید کریم شادان بود . در اینجا لازم میدانم تا یکی از شهکاربهای یکی از این رفقای قهرمان را بازگو نمایم و آن عبا رت از جسر رت و دلیری رفیق شهید جنرال عبدالحق علومی بود . شهنگام زمانیکه برخی از دسته های مجاهدین تلاش نمودند تا به منزل قدوس غوربندی همان کسیکه باتمامی نمک حرامی و ناسپاسی علیه بهترین فرزندان حزب کتاب بنوشت ، در مکر و یان کهنه هجوم ببرند ، رفیق شهید ما علومی پر افتخار و جاویدان که درگارنیزون کابل ایفای وظیفه مینمود ، شخصا به نجات وی شتافت و با کار بست حلقه محاصره موفق شد تا قدوس غوربندی را از کام مرگ نجات داده و دین و وطنپرستانه خود را ادا نماید .

آنانیکه در عقب سایه های انترنیتی بنام رهبران گرامی دو کانداری مینمایند باید بدانند که زنده گی و حیات شان در گرو همین رزم آوران دلیر نهفته بود . اینها بودند که حتی با قیمت جان خویش چون رفیق عبدالحق علومی از شرف و عزت تان دفاع نمودند و تا فرصت های مناسبی را جهت پناهجویی در مناطق شمال و خروج مصنون اعضای حزب و مردم فراهم نمودند ورنه امروز اجساد این رهروان حزب در گورهای دسته جمعی گلبدالدین در سپینه شگه سراغ میگردید ؛ یقینا کمال دارم که هرگاه مشاورت های تیم نفوذی برای تغییر مسیر حرکت داکتر صاحب نجیب الله ، سازگار نمیافتید و داکتر صاحب در مقرر اصلی خویش باقی میماند تا هنوز در قید حیات بسر میبرد ؛

اما در آن سوی خط جبهه ، برخی از اعضای حزب و سران و زارت های قوای مسلح و برخی از قوماندانان که « طنی وار » در کنار آی اس آی پا کستان و لشکر گلبدین صف بسته بودند چون لشکر «ها جوج و ما جوج» در شهر یو ریش آوردند و تلاش داشتند تا با تصرف کامل شهر و برافرازی درفش پا کستان در شهر کابل بلاخره نه تنها از خط خونین دیورند عبور نموده بلکه ، افغانستان را برای پا کستان قباله نموده و افتخار جاویدانه کسب نمایند که خوشبختانه در میدان نبرد تارومار شدند و اکنون همانها و حواریون مزدور شان هستند که نامیدانه و ما یو سانه هیاهو بر پا نموده و با پخش تصاویر ویدیوی که جز اسناد فداکارانه تاریخی است میخوانند تا بطور ذهنیگرانه و انتقامجویانه ذهنیت ها را تخریب نموده و هیاهو بر پا نمایند . نقش نیرو های شکست خوره و عمال آی اس آی و گلبدین در حمایت لشکر کشی پا کستان بسوی کابل نهایت تعیین کننده بود چنانچه روزی گلبدالدین به پاسخی یکی از قوماندانان خویش گفته بود که : **« از برکت این هاست که ما در چار آسیاب هستیم** (منظورش اسلم و طنجانار ، راز محمد پکتین ، مانوکی منگل ، جنرال طارق ، اسدالله پیام ... بود) در غیر آن حالا باید در سپینه شگه میبودیم » . اینها حقایق تلخ و انکارناپذیر تاریخی کشورمان است و نمیتوان تا آفتاب را به دو انگشت پنهان نموده و در ورای ذهنیت های زهر آگین ، تاریخ آفرید ؛ مردم امروز خود بخشی از تاریخ و قعات دردناک کشورمان هستند و خوشبختانه همه سرگذشت ها را بر سینه دارند ؛

مواخذ :

1- مقاله ملک ستیز کا رمند دپارتمنت استراتژیک وزارت خارجه - کابل پرس

2- مصاحبهء ایفگینی ژورنوف با سفیر سابق شوروی

3- نوشته نیکلای کزیروف – بر گردان عارف جهش , منتشره سایت وزین آریایئ

4- نوشته فلیپ کا روین کا مند عالی رتبه ملل متحد در افغانستان (سر نوشت غم انگیز در افغانستان) ترجمه جنرال حکیم سروری , سابق معاون صدر اعظم در افغانستان .

5- هما نجا – کتاب سر نوشت غم انگیز در افغانستان .

دیسانہ نور